

نقشه گانگستری برای سرقت از صرافی

تهران (پانا) - یک زن و دو مرد که بعد از خوردن قرص توهم‌زا و تماشای فیلم گانگستری تصمیم گرفته بودند به یک صرافی دستبرد بزنند فقط توانستند از یک زن زورگیری کنند.

به گزارش ایران، چند روز قبل زن جوانی با پلیس تماس گرفت و از سرقت پول و گوشی تلفن همراهش توسط سه پژو سوار شکایت کرد. او گفت: در کنار خیابان منتظر تاکسی بودم تا به محل کار بروم که یک خودروی پژو ۴۰۵ مقابل پایم نگهداشت. روی صندلی جلو خانم جوانی نشسته بود من هم اعتماد کرده و سوار شدم. غیر از راننده و خانم جوان، مرد جوانی هم روی صندلی عقب نشسته بود. پس از طی مسافتی، مرد جوانی که روی صندلی عقب نشسته بود چاقویی از جیبش بیرون آورد و به طرف من گرفت. همان موقع متوجه شدم که همه آنها همدست و سارق هستند. از ترس کارت عابر بانکم و رمز آن را در اختیارش قرار دادم و آنها گوشی تلفن همراهم را نیز به سرقت بردند. بعد از اینکه پژو سواران مرا از خودروشان بیرون انداختند من شماره پلاک خودرو را برداشتم.

سرنخ دستگیری متهمان

با شماره پلاکی که زن جوان در اختیار تیم تحقیق قرار داد، آنها هویت راننده خودرو را بدست آوردند. با شناسایی سهیل به و زانی؛ عنوان راننده خودرو، مرد جوان دستگیر شد. راننده جوان که ابتدا منکر زورگیری بود، زمانی؛ که از سوی مالباخته مورد شناسایی قرار گرفت به ناچار به زورگیری و سرقت از زن جوان با همدستی دو نفر از همدستانش اعتراف کرد. با اطلاعاتی که سهیل در اختیار تیم تحقیق قرار داده بود، زن و مرد جوان نیز بازداشت شده و به جرم خود اعتراف کردند.

گفت‌وگو؛ گو با متهم زن

چه شد که تصمیم به سرقت گرفتید؟

همه ماجرا از یک میهمانی شروع شد. من و سهیل و بهرام در یک شرکت تجاری کار می‌کنیم. مدتی از کار من در شرکت گذشته بود که بهرام به من پیشنهاد ازدواج داد. رابطه ما ادامه داشت تا اینکه شب حادثه سهیل ما را به میهمانی شبانه؛ ای دعوت کرد. آن شب ما قرص مصرف کردیم که حالمان را خیلی دگرگون کرد. دلمان می‌خواست کارهای هیجان‌انگیز و خطرناک انجام دهیم.

همان شب سرقت انجام دادید؟

آن شب بعد از میهمانی به خانه بهرام رفتیم و یک فیلم گانگستری دیدیم. فیلم درباره سرقت از یک صرافی بود آنقدر هیجان‌زده شده بودیم که همان لحظه تصمیم گرفتیم به همین شیوه از صرافی یا طلافروشی سرقت کنیم. روز بعد هر سه ما سوار ماشین سهیل شدیم و تصمیم گرفتیم با دیدن اولین صرافی، نقشه سرقت را اجرا کنیم. اما قبل از آنکه به صرافی برسیم خانم جوانی را دیدیم که کنار خیابان به انتظار تاکسی ایستاده بود. حال خوبی نداشتیم شب قبل اصلاً نخوابیده بودیم فکری به ذهنمان خطور کرد که هیجان کار را بیشتر می‌کند. تصمیم گرفتیم خانم جوان را به و زانی؛ عنوان مسافر سوار کنیم و بعد از سرقت اموالش به سراغ صرافی برویم. وقتی از او زورگیری کردیم پشیمان شدیم انگار تأثیر قرص؛ ها هم از بین رفته بود چون با دیدن یک خودروی پلیس بین راه خیلی ترسیدیم و از سرقت صرافی منصرف شدیم.